

نظری اجمالی به تدریس زبان خارجی و یادگیری آن

● دکتر حسین وثوقی
● دانشگاه تربیت معلم

In the following article distinction is made between input, what the teacher teaches, and intake¹ what the learner learns. It is argued that the intake is not always the same as or equal to the input. The what and how of intake differ for every learner and basically depend on each learner's learning strategies. The centrality of the learner in the process of learning/ teaching is also emphasized.

بیستم - با نضج گرفتن دانش روانشناسی زبان مورد توجه قرار گرفت و به ویژه در دهه ۱۹۷۰ بیش از پیش نظر متخصصین آموزش زبان را به خود معطوف داشت. پژوهشگرانی که گرایش زیادی نسبت به بررسی استراتژیهای یادگیری پیدا کرده بودند، رفته رفته نتیجه گیری کردند که پرداختی بیش از حد به «روشهای تدریس» موجب شده است که دست اندرکاران آموزش زبان از پی بردن به واقعیتها و اهمیت استراتژیهای یادگیری زبان آموز - که عامل مؤثر و عمده‌ای در یادگیری زبان خارجی است - غافل بمانند.

بر اساس همین باور بود که چارلز بیچفورد^۵ اولین سخنران برگزیده کنوانسیون بین‌المللی TESOL (تدریس زبان انگلیسی به سخنگویان سایر زبانها) که در اولین هفته آوریل ۱۹۷۸ در مکزیکوسیتی تشکیل شد، اعلام نمود که مشی پژوهشی معلمین زبان خارجی در دنیا از این پس باید تحول اساسی پیدا کند. او به طور جدی توصیه نمود که مطالعات و تحقیقات اعضای انجمن از آن پس بجای «روشهای تدریس»، بر پایه استراتژیها (یا راه و رسمها)ی یادگیری زبان آموز استوار گردد، چرا که در کار زبان آموزی بیشتر «زبان آموز مرکزیت دارد» تا معلم یا روشهای تدریس. او در پایان گفتار خود پیشنهاد نمود که نام انجمن از TESOL به LESOL (یادگیری زبان انگلیسی به وسیله سخنگویان دیگر زبانها) تغییر یابد تا اعضای آن هر چه آگاهانه‌تر این هدف را دنبال نمایند.

مکانیسم تدریس و یادگیری زبان خارجی را می‌توان به اختصار چنین توصیف نمود که معلم زبان خارجی، همواره سعی دارد بخش معین و محدودی از کل یک زبان را به نوعی آماده کند، و با روشی ویژه در شرائطی خاص (کلاس درس)

تدریس زبان و یادگیری آن دو فرایند متمایزند که اولی به فعالیتهای معلم در کلاس زبان، و دومی به تأثیر پذیری و فعالیت زبان آموز بستگی دارد. بررسی مقایسه‌ای این دو فرایند، پی بردن به ماهیت واقعی هر کدام و کاربرد اصولی آنها، می‌تواند در بالا بردن کیفیت آموزشی زبان خارجی تأثیر مطلوبی داشته باشد. از این رو چگونگی این دوروند را برای دست اندرکاران تدریس زبان خارجی به اختصار، مطرح می‌کنیم.

«یادگیری زبان» به طور کلی عبارت است از کلیه تلاشها، کنشها، و واکنشهای آگاهانه یا ناخودآگاه زبان آموز، همراه با انواع حالات روانی و رفتارهای زبانی و غیرزبانی او، و نگرشهای^۱ مثبت یا منفی اش نسبت به زبان خارجی، و بالاخره انگیزه‌های^۲ او برای اکتساب زبان خارجی.

از طرف دیگر، «تدریس» یا آموزش زبان خارجی، آن دسته از رفتارها و فعالیتهای آموزشی است که معلم زبان در شرایطی خاص، و در محیطی رسمی (مانند کلاس، آزمایشگاه، سمینار) با استفاده از وسایل کمک آموزشی و بر طبق یک برنامه مدون انجام می‌دهد، و طی آن سعی دارد موادی از زبان خارجی را (که به یکی از صورتهای چاپی، نوار، فیلم یا مکالمه است) به زبان آموز یاد دهد.

از این دو گونه رفتار معلم زبان و آموزنده زبان به طور کلی و به ترتیب به عنوان «روشهای تدریس»^۳ و «استراتژیهای یادگیری»^۴ یاد می‌شود. روشهای تدریس زبان خارجی از آغاز قرن بیستم همواره مورد بررسی پژوهشگران و دست اندرکاران تدریس زبان بوده است. اما موضوع «استراتژیهای یادگیری» زبان آموز تنها از نیمه دوم قرن

زبان آموز همواره این خطر را به همراه خواهد داشت که نوعی واکنش مخالف در او بروز کند، و بنسبت به زبان خارجی نگرشی خنثی و انگیزشی منفی پیدا کند، تا آنجا که ناخودآگاه گرایش به «از یاد بردن»^۹ در او به وجود آید.

همچنین معلم زبان باید برای زبان آموز حداکثر فرصت ممکن را در کلاس فراهم سازد تا دانش آموز با به کار انداختن و تجربه نمودن روشهای یادگیری خود، برای آموختن زبان خارجی پیشقدم گردد. در عین حال معلم زبان باید به دانش آموز تفهیم کند که زبان یک موضوع یاددانی نیست، بلکه یک مهارت یادگرفتنی است، و از راه کاربرد پیوسته و انجام تمرینهای مستمر می توان به آن دست یافت. بنابراین، بیشتر بار آن بر دوش زبان آموز است نه معلم.

بر این اساس، می توان گفت که معلم مجرب زبان کسی نیست که در تمام طول کلاس تاب و توان خود را صرفاً، در تدریس و ارائه مطالب درسی مصروف دارد، و یکه تاز عرصه کلاس باشد، و انتظار داشته باشد که دانش آموزان ساکت و غیرفعال بنشینند و با دقت به گفتار او توجه نمایند تا مطالب درسی را فرا بگیرند، زبان را کسی یاد می گیرد که به کار ببرد. بنابراین، معلم زبان باید همواره به یاد داشته باشد که این دانش آموزان هستند که باید زبان بیاموزند و نه خود او، پس بیشتر فعالیت کلاس باید با مشارکت مستقیم و فعالانه دانش آموزان انجام گیرد. معلم زبان، در کنار صحنه کلاس، نقش هماهنگ کننده^{۱۰} را دارد، و سعی می کند مشکلات دانش آموزان را برطرف کند. چون کارگردانی است که هر باز یگری را به موقع و در نقش مناسب به کار می گیرد، بنابراین سعی می کند به هر کدام از دانش آموزان فرصتی برای ارائه نقش خود در صحنه کلاس بدهد.

برای تفهیم به زبان آموز ارائه دهد، به نحوی که آموزنده تمام یا حداکثر آن بخش زبان را بفهمد و سرانجام به صورت نوعی مهارت زبانی فرا گیرد. نکته اساسی در این است که معلم زبان پیوسته به نحوه عرضه این مواد، به شرایط ارائه آن، و به روشهای تدریس توجه دارد.

چنانچه مواد مورد تدریس را «داده»^۶ بنامیم، این پرسش اساسی مطرح می شود که آیا به راستی زبان آموز مواد «داده» را بدون کم و کاست می آموزد؟ یا به عبارت دقیق تر به ذهن خود می گیرد؟ و آیا عمل یادگیری به همان شکلی که معلم زبان در نظر دارد، انجام می پذیرد؟

پاسخ این است که معمولاً زبان آموز با روش خاص خود به استقبال مواد «داده» می رود، و اگر چه این مطالب در دسترس او قرار می گیرد، اما به طور کلی ذهن او به مثابه یک صافی عمل می کند. بدین معنا که تحت تأثیر حالات روانی و عاطفی و براساس نگرشها و انگیزه های فردی نسبت به آن زبان (و جامعه ای که بدان تکلم می کنند) ممکن است از بین تمام مواد «داده» پاره ای از خود عبور دهد و درونی^۷ سازد، و راه عبور پاره ای دیگر را مسدود نماید. آنچه دانش آموز درونی می کند مواد «برداشت»^۸ می نامیم. منظور ما از این جهت این است که مواد «داده» معلم با مواد «برداشت» دانش آموز هیچگاه برابر و یکسان نیست. مواد «داده» بیشتر به روشها و فعالیتهای معلم و وظایف او بستگی دارد، حال آنکه مواد «برداشت» به روشها و گرایشهای خاص آموزنده وابسته است.

از آنچه گذشت چنین برمی آید که هر قدر معلم زبان به انگیزه ها، نگرشها، و عوامل برداشت زبان آموز توجه داشته باشد و در حد ممکن مواد «داده» را برای امکانات «برداشت» او مساعد و موافق سازد، در کار تدریس زبان و در بالا بردن میزان یادگیری موفق تر خواهد بود. عدم اعتنا به روشهای یادگیری

- 1- attitude
- 2- motivation
- 3- Teaching Method
- 4- Learning Strategies
- 5- Charles Blatchford
- 6- input
- 7- internalize
- 8- intake
- 9- unlearning
- 10- coordinator

- 1- Dubin, F X Olshain, E. **Facilitating Language Learning**. New York: Mc Graw-Hill, 1977.
- 2- Gardener, Robert, C. & Lambert Wallace E. **Attitude and Motivation in Second Language Learning**. Newbury House; 1972.
- 3- Richards, Jace, C. **Social Factors, Interlanguage and Language Learning in (Ed.) Richards, Jack; Error Analysis**. Longman, 1974.
- 4- Wilkins, D.A. **Second Language Learning and Teaching**. Edward Arnold